ترجمه کن آنچه در پی می‌آید سپس معین کن مستثنی و مستثنی منه را

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ. تَرْجِمْ ما يَلي، ثُمَّ عَيِّنِ الْمُستَثنىٰ وَ الْمُستَثنىٰ مِنهُ.

۱ــ ﴿... كُلُّ شَيْءٍ هالِكٌ إلّا وَجْهَهُ ...﴾ اَلْقَصَص: ۸۸

مستثنی — مستثنی منه

هر چیزی نابودشدنی است جز ذات او

۲ــ ﴿فَسَجَدَ الْمَلائِكَةُ كُلُّهُم أَجْمَعونَ إلّا إبليسَ اسْتَكْبَرَ وَ كانَ مِنَ الْكافِرينَ﴾ ص: ۷۳ و ۷۴

مستثنی — مستثنی منه

پس سجده کردند فرشتگان همگی جز ابلیس که تکبر ورزید و از کافران بود (شد)

۳ــ كُلُّ عَيْنٍ باكِيَةٌ يَوْمَ الْقيامَةِ إلّا ثَلاثَ أَعيُنٍ: عَيْنٌ سَهِرَتْ[۱] في سَبيلِ اللهِ، وَ عَيْنٌ غُضَّتْ[۲] عَنْ مَحارِمِ اللهِ، وَ عَيْنٌ فاضَتْ[۳] مِنْ خَشْيَةِ[۴] اللهِ. رَسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله

مستثنی — مستثنی منه

هر چشمی گریان است در روز قیامت جز سه چشم: چشمی که بیدار مانده در راه خدا و چشمی که بر هم نهاده شده از محارم خداوند و چشمی که لبریز شده است از ترس خداوند

۴ــ كُلُّ وِعاءٍ[۵] يَضيقُ[۶] بِما جُعِلَ فيهِ إلّا وِعاءَ الْعِلْمِ؛ فَإنَّهُ يَتَّسِعُ[۷] بِهِ. اَلإمامُ عَلِيٌّ علیه السلام

مستثنی منه — مستثنی

هر ظرفی تنگ می‌شود با آنچه قرار داده می‌شود در آن جز ظرف علم؛ که آن فراخ می‌گردد با آن



۵ــ كُلُّ شَيءٍ يَرْخُصُ[۸] إذا كَثُرَ إلّا الْأَدَبَ؛ فَإنَّهُ إذا كَثُرَ غَلا[۹]. مَثَلٌ عَرَبِيٌّ

مستثنی منه — مستثنی

هر چیزی ارزان می‌شود هنگامی که زیاد شود جز ادب پس همانا آن هرگاه زیاد شود گران می‌شود.

۶ــ لا تَعْلَمُ زَميلاتي اللُّغَةَ الْفَرَنسِيَّةَ إلّا عَطِيَّةَ.

مستثنی — مستثنی منه

نمی‌دانند همکلاسی‌هایم زبان فرانسه را جز عطیه.

۷ــ حَلَّ الطُّلّابُ مَسائِلَ الرِّياضيّاتِ إلّا مَسأَلَةً.

مستثنی — مستثنی منه

حل کردند دانش‌آموزان مسائل ریاضی را جز یک مسأله.

۱- سَهِرَ : بیدار ماند ۲- غَضَّ عَينَهُ : چشم بر هم نهاد ۳- فاضَ : روان شد ۴- اَلْخَشْيَة : پروا
۵- اَلْوِعاء : ظرف ۶- ضاقَ : تنگ شد ۷- اِتَّسَعَ : فراخ شد ۸- رَخُصَ : ارزان شد ۹- غَلا : گران شد